روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۹ دی ۱۴۰۰ • ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ • ۹ ژانویه ۲۰۲۲
سال نوزدهم • شماره ۴۱۹۰ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۷:۲۸
اذان صبح فردا ۵:۴۶ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

آبرسانی با تانکر به روستاهای مراوه تپه در استان گلستان، عکس: محمد عطایی، مهر

یاد

تاریخ را در سینه من با خط میخی چکش زده‌اند

بکتاش آبتین درگذشت

بکتاش آبتین (۱۴۰۰- ۱۳۵۳)، شاعر، فیلم‌ساز و عضو کانون نویسندگان ایران روز شنبه هجدهم دی‌ماه پس از چند ماه درگیری با بیماری کرونا در ۴۷سالگی درگذشت. آبتین کـه در حال گذرانـدن دوره محکومیت خود بود، پیش‌تر در زندان به کرونا مبتلا شده و بهبود یافته بود و در حالی که هشدارهای متعددی درباره وضعیت جسمانی او منتشر شـده بود، دوباره در زندان به کرونا مبتلا شد و ایـن بار مداوا روی او نتیجه نـداد و از دنیا رفت. بکتاش آبتیـن به همراه دو عضو دیگر کانون نویسـندگان ایران، یعنی کیوان باژن و رضا خندان (مهابادی) در اردیبهشت ۱۳۹۸ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به زندان محکوم شده بود. حکم آبتین شـش سال زندان بود که در همان سال در دادگاه تجدیدنظر هم تأیید شده بود. محسن حکیمی در یادداشتی با عنوان «احکام شبهه‌انگیز زندان برای سه نویسـنده» که در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ در روزنامه «شرق» منتشر شده بود، درباره تناقض‌های احکام صادرشـده برای این سـه نویسنده نوشـته بود و ابراز امیـدواری کرده بود این احکام در دادگاه تجدیدنظر تغییر کنند. این سـه نویسـنده و هنرمند با دو اتهام «تبلیغ علیه نظـام» و «اجتمـاع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» در دادگاه محکوم شده بودند و حکیمی نوشته بود که «یکی از مواردی که مصداق اتهام نخست شمرده شده، بیانیه‌هایی است که در دفاع از آزادی بیان و مخالفت با سانسـور نشریات صادر شده و این نویسندگان آنها را امضا کرده‌اند».

ادله‌ای که برای اتهام دوم آورده شده نیز شامل مواردی این‌چنین بود: «عضویت در کانون نویسندگان ایران، انتشار نشـریه داخلی کانون، گردآوری و انتشار اسناد و مدارک ۵۰ سال فعالیت کانون و حضور بر سر مزار احمد شاملو، محمد مختـاری و جعفر پوینده». حکیمی در بخشـی از یادداشـتش در «شرق» این پرسـش‌ها را مطرح کرده بود که «عضویت در تشـکلی فرهنگی و صنفی که اسم و رسـمش یکسـره علنی و معلوم اسـت، اعضای آن همه نویسـندگان شناسنامه‌دار و با هویت علنی هستند، هیئت دبیـران آن در یـک مجمع عمومـی علنی و بر اسـاس دعوت علنی اعضا و طبق اساسـنامه‌ای علنی و منتشرشـده انتخاب شـده‌اند، چگونه ممکن است به قصد توطئه و اقدام سیاسـی علیـه امنیت ملی صورت گرفته باشد؟ انتشار نشریه داخلی و کتابی مستند درباره تاریخ ۵۰ساله کانون نویسندگان ایران به‌صورت علنی و

بدون ذره‌ای پنهان‌کاری چگونه ممکن اسـت به امنیت ملی ضربه بزند؟ عجیب‌تر از اینها، حضور در گورسـتان برای ادای احترام به نویسندگان و شاعران درگذشته، چه خطری برای امنیت ملی می‌تواند داشته باشد؟». بکتاش آبتین در حالی در هجدهم دی‌ماه درگذشـت که از روز دوشـنبه ۱۵ آذرماه به دلیل بروز علائم شـدید کرونا از زندان اوین به بیمارستان منتقل شده و با فاصله چند روز به دلیل حال نامناسب جسـمی به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شده بود. با وخامت وضعیت جسمانی آبتین، او از یازدهم دی‌ماه برای ادامه درمان در وضعیت کمای مصنوعی قرار گرفته بود. «شناسـنامه خلوت»، «مژه‌ها، چشم‌هایم را بخیه کرده‌اند»، «پتک» و «در میمون خودم پدربزرگم» ازجمله کتاب‌ها و دفترهای شعر آبتین هستند که او در طول عمر کوتاهش منتشر کرده بود. او همچنین چندین فیلم مستند هم ساخته بود که در جشنواره‌های مختلفی به نمایش درآمده بودند و از میان آنهـا می‌توان بـه «کاملا خصوصـی برای آگاهی عموم» (زندگی علیشاه مولوی)، «۱۳ اکتبر ۱۹۳۷» (دربـاره لوریس چکناواریان)، «آنسـور» (دربـاره سانسـور) و «همایـون خرم» اشـاره کرد. آبتین در بخشـی از یکی از شـعرهایش نوشـته بود: «در من موهای بلندی پیر شـده/ و انگار تاریخ را/ در سـینه من با خط میخی چکش زده‌اند!/ انسـانم و پیش از خودم را نمی‌دانم/ آیا در زیر شهری گمشده خاکم؟/ آیا آن جمجمه با چشم‌های خالی منم؟...».

حق‌بان

دومین سالگرد قربانیان حادثه با حضور خانواده‌ها برگزار شد

قدم به قدم با لحظات فاجعه

بامـداد شـنبه ۱۸ دی‌مـاه ۱۴۰۰ خانواده‌هایـی بـا پلاکاردهـای سـیاه، عکس‌های عزیزان‌شـان و دسـته‌گل‌های فراوان در فـرودگاه بین‌المللی امام خمینـی گرد هـم آمدند. آنهـا دو سـال پیش در همین سـاعات برای آخرین بار با فرزندان و اعضای خانواده‌شـان خداحافظـی کردنـد و آنهـا را بـه هواپیمای ۷۵۲ سـپردند تا دقایقی بعد در آسـمان ایران هدف موشک قرار بگیرند.

دو سـال از این فاجعه گذشـته و هنـوز هم این غم بزرگ و این داغ سـنگین آرام نگرفته است. برای همین در دومین سالگرد این حادثه خانواده‌هایی که در این دو سال کنار هم بودند و با هم این غم را تاب آورده بودنـد، قدم به قدم بـا فاجعه پیش رفتند. از فرودگاه به محل سقوط هواپیما و از آنجا به کنج غم در دل خانه‌های‌شان.

اگرچه تلاش‌هایی شـد تا امسال هم مراسم‌های دولتی برای بزرگداشـت یـاد و خاطره جان‌باختگان این حادثه انجام شـود؛ اما این مراسم‌ها با استقبال خانواده قربانیان همراه نشـد؛ زیرا در ویدئوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، این اعتراض به وضوح دیده می‌شـود. یکـی از معروف‌ترین‌هایش تجمـع خانواده‌هـای داغـدار در محـل سـقوط هواپیماسـت. جایی که این خانواده‌ها بامداد دیروز گرد هم آمدند تا با در کنار هم بودن کمی به یکدیگر تسلی خاطر بدهند.

در ویدئوهـای منتشرشـده می‌بینیـم زمانی که هلیکوپتـر یکـی از ارگان‌هـا بـرای گلبـاران محل سقوط بالای سـر خانواده‌ها حاضر می‌شود، صدای اعتراض‌ها بلند می‌شود. صدای اعتراض خانواده‌ها بلند می‌شـود و واضح اسـت که این تسـلی خاطر را نمی‌خواهنـد. در مجموع روایت‌های رسـمی از ایـن حادثه بـرای همراهی خانواده‌هـای داغدار با مراسم‌های دولتی بسیار مغشوش است.

بـرای نمونه ایسـنا گزارشـی منتشـر کـرده از «بزرگداشـت دومین سـالگرد شـهدای هواپیمای اوکراینـی در گلـزار شـهدای تهـران» بـا حضور رئیس بنیاد شـهید و در آن مدعی شـده جمعی از خانواده‌هـای قربانیان هم حضور داشـتند؛ اما تنها یک تصویر بسـته از قاضی‌زاده‌هاشـمی بر سر یک مزار منتشـر شـده و نمی‌تـوان از آن فهمید که این همراهی خانواده قربانیان که ایسنا مدعی‌اش شده، چه میـزان بوده؛ اما به هر روی شـرح دردی که بر این خانواده‌ها شـده، چنان عیان اسـت که حتی در رسمی‌ترین روایت‌ها با تلاش بر کم‌کردن حواشی آن هم کتمان‌پذیر نیست.

برای نمونه در شـب سـالگرد این رویداد مجری پربحـث اخبـار ۲۰:۳۰ به سـراغ خانـواده یکی از قربانیان رفـت. علی رضوانی مجـری برنامه بدون تعارف در برابر مادر «زهرا حسنی‌سـعدی» نشست. زهرا حسنی‌سـعدی و همسـرش محمـد صالحه هم از مسـافران این هواپیما بودنـد. همان‌هایی که تصویرشـان با قاسم سـلیمانی بعد از اتفاق سقوط در مرکـز توجه‌ها بـود. خانواده‌ای بـا این ویژگی‌ها احتمالا کم‌خطرترین گزینه برای مجری تلویزیون در تهیه چنین گزارشی بود؛ اما جالب اینجا بود که بعد از سـؤال‌هایی که مجری مطـرح می‌کند، مادر زهرا حسنی‌سـعدی رو به مجری می‌گوید «همه حرف‌ها را بگویم؟» و بعد بـه انتقاد می‌گوید «خانواده‌ها در این دو سال زجر زیادی کشیدند. مشکل اینجاست که ما نمی‌دانیم مخاطب‌مان کیست؟ من از صداوسیما هم گلایه دارم. شـما این دو سـال کجـا بودید؟» و بعـد در اینجا دیگـر حرف‌های این مـادر هم قطع می‌شـود و نمی‌دانیم در ادامه چه انتقاداتی مطرح می‌کنـد؛ ولی به هـر روی حتی در ایـن روایت‌های آهسـته هم که سعی می‌شود سرپوش همه مسائل و چالش‌هـای بـزرگ این حادثه برداشـته نشـود، سـویه انتقادی چنان تیز اسـت کـه نمی‌توان از آن چشم پوشید.

عـلاوه بر این دو مراسـم، روز گذشـته در برخی دانشگاه‌ها هم مراسم‌های آنلاینی برای بزرگداشت یـاد و خاطـره قربانیـان ایـن حادثـه برگزار شـد. دانشـگاه شـریف یکی از دانشـگاه‌هایی بود که ۱۶ دانش‌آموختـه‌اش را در ایـن حادثه از دسـت داد. آنها عصر دیروز مراسم یادبودی را به صورت آنلاین برگزار کردنـد. پیش‌تر هم آنها در حسـاب توییتری دانشـگاه سعی کرده بودند یاد و خاطره قربانیان این حادثه را گرامـی بدارند. فارغ‌التحصیلان دانشـگاه شـریف با مدیریت دکتر دورعلـی از اعضای هیئت علمی این دانشـگاه مدتی اسـت مشـغول ساخت مدرسه‌ای در سیستان‌وبلوچستان هستند؛ مدرسه‌ای کـه بودجـه سـاختش از سـوی فارغ‌التحصیلان تأمیـن شـده و بـه یـاد ایـن قربانیـان سـاخته شده است.

به هر روی دو سال از این حادثه می‌گذرد و بعید است گذشـت زمان بتواند این داغ را سرد کند. تنها پاسخی درست، روشنگرانه و بدون مصلحت‌اندیشی در معرفی مقصران و برخورد درست با آنهاست که شاید بتواند.

زیر آسمان شهر

هم‌میهنانی که جان‌پناهی ندارند

عباس مهری‌اردستانی
پژوهشگر تاریخ

به خاطر مطالعه تاریخ ایران و دانسـتن اینکه نیاکان ما به واسطه سرما از خاستگاه اولیه خود، ایرانویج به ایران بزرگ که گرم‌تـر از آنجا بود کوچ کردند، همیشـه و از دوران کودکی تصویر بدی از زمسـتان داشتم؛ اما اکنون که مشـکل کم‌آبی داریم، مانند داریوش هخامنشی به دعای نقرشده در کتیبه بیستون التجا می‌برم که «خدایا! کشـور مرا از دشمن، خشکسـالی و دروغ در امان دار» که دراین‌میان دشـمن و دروغ را فاکتـور می‌گیرم؛ زیرا خـود مثنوی هفتاد من کاغذ دیگری اسـت و تنها خدا خدا می‌کنم که ای کاش باران و برف کافی بر سرزمینم ایران ببارد و مرهمی باشـد بر سـوءمدیریت کسـانی که منابـع آب ما را به ایـن روز انداختنـد. دراین‌میان بی‌تردید تصویر بد داشتن از زمستان ساخته و پرداخته رویدادهایی است که بر کسی گذشته باشد یا درباره آن چیزی خوانده باشد؛ مثل زمسـتان‌های دوران کودکی و نوجوانـی من یا آغاز و پایـان منظومه آرش کمانگیر که شـروعش بـا بارش بـرف و انجامش بـا یخ‌زدگی کوهسـتانی اسـت که آرش در آن ناپدید می‌شود و به جز ادراکی از غرور ملی، سراسر از برودت و زمهریربودن هوا سـخن می‌گوید. باوجوداین خانه‌سـاختن ایرانیان قدیم که ملهم از اقلیم ایران بود و بیشـتر بناهایش با خشـت خام و ملاط گل ساخته می‌شد، متأثر از اجاقی هم بود که گرمایش نویدبخش آرامش و تداوم زندگی بـود. اما در این روزها و شـب‌ها فرزندانـی از ایرانیان، ناخواسته در تکاپوی ادامه حیات، فاقد جان‌پناه‌اند؛ چه آنانی که به خاطر انتخاب نادرسـت در دام اعتیاد و ... گرفتارنـد و کارتن‌خواب و گورخواب تلقی می‌شـوند و چه آنانی که آبرومندند، کار دارند؛ اما به واسـطه تورم بی‌رحـم، قدرت خرید یـا اجاره سـرپناه را در پایتخت کشـوری که به گفته یکی از اقتصاددانـان مِلک آن را حتی با ثـروت همه ایرانیان نمی‌تـوان خرید، ندارند و ناچارند شب تا صبح اتوبوس به اتوبوس و خط به خط جا عوض کنند تا روزی دیگر را زندگی کنند؛ البته اگر نام این نوع زیسـتن را زندگی بگذاریم. این در حالی اسـت که این انسـان‌ها در سرزمینی به دنیا آمده‌اند که در زیرِ زمین آن مخازن بزرگی از نفت و گاز و حتی زغال‌سـنگ نهفته و با لوله یا نفتکش به این سـو و آن سوی ایران و جهان حمل می‌شـود؛ ولی این درماندگان حقی را از این منابع حتی برای گرم‌شدن در زمستان برای خویش متصور نیسـتند. یا باید سـرمای جانسوز را تحمل کنند یـا در برودت آن بمیرنـد. دراین‌میان به نظر می‌رسـد راهـی را هم که شـهرداری پایتخـت در پیش گرفته، برای نوع دوم از بی‌خانمان‌هـا یعنی بی‌آرتی‌خواب‌ها کارگشـا نباشـد؛ زیـرا بـا وجـود گرمخانه‌هایـی که شهرداری تهران در اختیار کارتن‌خواب‌ها قرار داده، این خانواده‌هـا یعنی اتوبوس‌خواب‌ها تمایلی به اسـکان شـبانه در آنها ندارنـد؛ چون در صـورت رفتن آنها به گرمخانـه، آسـیب‌های اجتماعی ماننـد اعتیاد و بقیه مـوارد بر خسـران خانواده‌های آبرومند فاقد مسـکن خواهد افـزود و فرزندان کوچک آنـان نیز در معرض بزهکاری‌های گوناگـون اجتماعی قرار خواهند گرفت؛ بنابراین به نظر می‌رسـد تفکیک بی‌خانمانان آبرومند از کارتن‌خواب‌هایـی کـه البته علاوه بـر خلق‌وخوی شـخصی به خاطر مسـائل اجتماعی و... بـه این روز افتاده و گفته ژان ژاک روسو در کتاب قرارداد اجتماعی را در ذهن متبادر می‌کند که گفت: «انسـان نیک و پاک به دنیا می‌آید و بدی‌هایش مولود جامعه‌ای اسـت که بد اداره می‌شود»؛ تمهیدی باشد شایسته تا بی‌خانمانان بیش‌ازاین رنج و سختی نبینند. در پایان تلاش‌های برخی افراد، سازمان‌ها و خبرگزاری‌ها را که پیشنهاد اختصاص بخشی از فضای مساجد، حسینیه‌ها و ایستگاه‌های مترو را برای شـب‌خوابی افراد نیازمند مطرح کرده‌اند، باید ارج نهاد و از شهرداری پایتخت درخواست کرد تا علاوه بر کانال‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی که این شب‌ها اسـتراحتگاه کارتن‌خواب‌های تهران شده، از سوله‌های سـتاد مدیریت بحران شهرداری موسـوم به الزهرا نیز استفاده کند تا میراث نیاکانمان زنده بماند؛ همان‌هایی که در سرزمین‌های دنیای ایرانی از ابن‌بطوطه جهانگرد مراکشـی پذیرایی کردند و در خانقاه‌های سـده هشتم هجـری برایش جا و غذا فراهم آوردند تا او ۲۷ سـال سفر کند، کرانه‌های اقیانوس اطلس و دریای چین را به تماشا نشیند و گفته شیخ ابوالحسن خرقانی را به چشم ببیند که گفت: «هرکس در این سرا درآید، نانش دهید و از ایمانش مپرسید، چه آنکس که نزد خدای سبحان به جان ارزد، بر خوان بوالحسن به نان ارزد».

پرنده آبی

من هم شمعی روشن خواهم کرد

زندگی بـرای خیلی از ماها در ایـران به قبل و بعد از ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸ تقسـیم شد. آن حادثه دلخراش و فراموش‌نشدنی، آن سکوت و انکار نابخشودنی و تسلایی که هیچ‌گاه یافت نشد و هیچ‌جا پیدا نشد. حادثه شلیک پدافند خودی به هواپیمایی پر از مسافران ایرانی اگرچه در روایت‌های رسـمی پشت «اشـتباه پدافند موشکی» پنهان شد اما در روایت غیررسمی همچنان با سؤال‌های بی‌پاسخ زیادی از سوی شهروندان ایرانی و خانواده‌های داغدار همراه اسـت. سـؤال‌هایی که به محل بحث و جدل کاربران زیادی در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده اسـت. دی ماه امسـال هم دو سـال پس از این حادثه تکان‌دهنـده کاربران زیادی در شـبکه‌های اجتماعی با به راه‌انداختن هشـتگ «من هم شمعی روشن خواهم کرد» سـعی کردند تا هم یاد و خاطره جان‌باختگان این حادثه را گرامـی دارند و هم همچنـان ابعاد مختلف این پرونـده را مفتوح نگه دارند و بر تاریکی‌های آن نور بتابانند. محدودشدن این هشـتگ در روزهای مانده به ۱۸ دی ماه در اینستاگرام هم به موضوع پربحثی تبدیل شـد. مسـئله‌ای که نهایتا با عذرخواهی شرکت «متا»، مالک اینسـتاگرام همراه بود. با بازگشت این هشتگ به اینسـتاگرام در روز سالگرد حادثه و روزهای بعد از آن و احتمالا تا ۲۱ دی‌ماه و سـالگرد کنفرانس خبری سردار حاجی‌زاده و اعلام رسـمی شـلیک موشـک ایرانی به هواپیمـای اوکراینـی احتمالا داغ‌ترین هشـتگ فضای شبکه‌های اجتماعی فارسی باشد. مهم‌ترین سؤال‌هایی که در میان واکنش‌های کاربران ایرانی در این روزها دیده می‌شود سؤال‌های بی‌جواب این دو سال است. هرچند پس از مرگ بکتاش آبتین بسـیاری دربـاره نحوه رفتار مسئولان زندان با او در هنگام بیماری نوشته‌اند.

اتفاق

ان‌بی‌سی‌نیوز: سیدنی پواتیـه، اولین مرد سیاه‌پوستی که اسـکار بهترین بازیگر مرد را به دست آورد در ۹۴سالگی درگذشـت. پواتیه هنرپیشه‌ای پیشـرو و انسان‌دوست و دیپلماتی مـورد احترام بود. او در سـال ۱۹۶۴ به خاطر فیلم «زنبق‌های مزرعه» اسـکار بهترین بازیگر مرد را از آن خـود کرد. پواتیه در میامی به دنیـا آمده و در باهاما بزرگ شده بود.

بی‌بی‌سـی: رناتا وروکووا، تنیس‌بـاز اهل جمهوری چک دومین ورزشـکاری شد که استرالیا به‌دلیل مسائل مربوط به کرونا، ویزایش را باطل کرد. او نیز مانند نواک جوکوویچ با معافیت پزشـکی و بدون واکسـن‌زدن برای شرکت در اوپن اسـترالیا وارد ملبورن شـد. وروکـووا الان در همان هتلی که جوکوویچ ساکن اسـت، اقامت دارد. احتمالا او به جمهوری چک بازمی‌گردد.

گاردین: امانوئل مکرون می‌گوید: من نمی‌خواهم مردم فرانسـه را عصبی یا اذیت کنم. اما جدا می‌خواهم روی اعصاب کسانی که واکسینه نشده‌اند، راه بروم! و تا آخر به این کار ادامه خواهیم داد. این استراتژی ماست. پارلمان فرانسـه به دنبال تصویب قانونی اسـت کـه تنها افراد واکسینه یا با تست منفی کووید می‌توانند مجوز بهداشتی دریافت کنند.

آناتولی: دادگاه موریتانی حکم آزادی موقت رئیس‌جمهور سـابق این کشور را که به فسـاد مالی متهم است، صادر کرد. قاضی تحقیقات در پرونده‌های فساد موریتانی حکم آزادی موقـت «محمـد ولد عبدالعزیـز»، رئیس‌جمهور سـابق این کشـور را پس از عمل قلب صـادر کرده و به موجـب این حکـم عبدالعزیز در منزلـش تحت نظارت قضائی و پزشکی قرار گرفت.

اسکرین‌دیلی: جشـنواره فیلم «ساندنس» که امسال قرار اسـت به‌صورت آنلاین برگزار شـود، از فهرسـت داوران رویـداد این دوره خود در حالی رونمایی کرد که نام پیمان معادی، بازیگر ایرانی، در میان داوران این دوره جشـنواره به چشم می‌خورد. اندرو هیگ، محمد حفظی تهیه‌کننده مصری و پیمان معادی در میان ۱۶ داور این دوره فستیوال ساندنس هستند.

نیویورک‌پست: این روزها شاید مایک پمپئو، وزیر خارجه سـابق آمریکا، برای خیلی‌ها قابل شناسایی نباشد؛ زیرا نزدیـک به ۴۵ کیلـو وزن کم کرده اسـت. پمپئو گفت تصمیم خود برای کاهـش وزن را روز چهاردهم ژوئن سـال ۲۰۲۱ گرفته است؛ وقتی می‌فهمد وزنش نزدیک به ۱۵۰ کیلو اسـت. روز بعد که از خواب بیدار شـده و گفته است «امروز، روزش است».